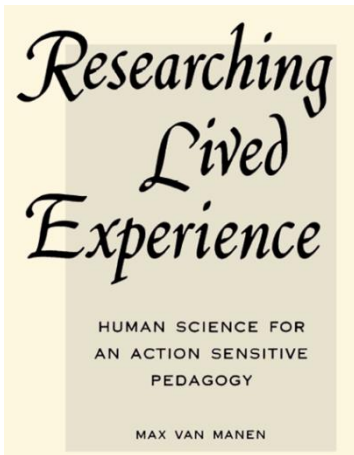


پژوهش در باب تجربه زیسته: علم انسانی برای پداگوژی حساس به عمل^۱ (مکس فان منن^۲)

دکتر رمضان برخوردار



کتاب «پژوهش در باب تجربه زیسته» اثر «مکس فان منن» بطور مشخص کتابی است که چارچوب روش‌شناختی پژوهش پدیدارشناسی در علوم انسانی و بطور خاص در تعلیم و تربیت را معرفی می‌کند. بنابراین اهمیت کتاب را از دو جنبه می‌توان در نظر داشت: اول، یکی از جامع‌ترین کتاب‌ها در زمینه پژوهش پدیدارشناسی در علوم انسانی است؛ دوم، اینکه تلاش فان منن این است که مصداق‌های کاربست این رویکرد در زمینه تعلیم و تربیت را بطور خاص تبیین کند. البته

پژوهش‌های انضمامی فان منن در حوزه پداگوژی از منظر پدیدارشناسی در کتاب‌های مختلف نمود یافته است از جمله کتاب‌های «درایت تدریس؛ معنای خردمندی تربیتی^۳» (۱۹۹۱) و «رازهای کودکی^۴» (۱۹۹۶). بعنوان نمونه، تلاش کتاب «درایت تدریس» این است که با بازنگریستن به مقوله تعلیم و تربیت از تعلیم و تربیت فنی‌شده، اداری‌شده، و انبوه‌ساز دوران مدرن نقدی عمیق و اساسی به عمل آورد (برخورداری، ۱۳۹۷).

اهمیت آشنایی و معرفی این کتاب در این است که دعوتی برای مواجهه با رویکرد پدیدارشناسی از زبان کسی است که خود یکی از مهم‌ترین پیشگامان این رویکرد در میان سنت‌های پژوهش در تعلیم و تربیت است. اگرچه این رویکرد از ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰ چهره‌های

¹ RESEARCHING LIVED EXPERIENCE Human Science for an Action Sensitive Pedagogy

² Max van Manen

³ The Tact of Teaching; The Meaning of Pedagogical Thoughtfulness

⁴ Childhood's secrets

درخشانی چون لانگولد^۱، بیت^۲، ورمر^۳، استراسر^۴ و دیگران (فانمنن، ۱۹۹۶) داشته است، اما با غلبه جریان رفتارگرایی در تعلیم و تربیت تا مدت‌ها در مُحاق رفت و در سال‌های اخیر با رشد نگاه‌های انتقادی به تعلیم و تربیت، این رویکرد دوباره مجال برای بسط و گسترش یافته است. با وجود این، به نظر می‌رسد این رویکرد دیگر بار در معرض تهدید از دو جنبه است: یکی مصادره کردن آن به نفع رویکردهای کمی و برخوردی کمی‌گرایانه با آن از جانب محققانی که تعهدی عمیق به شیوه‌های پژوهش کمی در تعلیم و تربیت دارند و همزمان نمی‌خواهد از مُد زمانه عقب بمانند و دوم، تهدید از جانب کسانی که با مبادی، درون‌مایه‌ها و نقاط عزیمت این رویکرد آشنا نیستند و نهایتاً محصول چنین پژوهش‌هایی به مجموعه‌ای از مصاحبه‌های پراکنده می‌انجامد که پیش‌تر هم در انواع مختلف پژوهش‌های تربیتی متداول بوده است و هیچ سنخیتی با روح پژوهش‌های پدیدارشناسانه ندارد (برخوردراری، ۱۳۹۸).

گاهی این تهدید از جانب کسانی است که تلاش دارند دو گفتمان متباین را به نحوه ناسازواری با هم آشتی دهند. از جمله این محققان ویلیام پاینار^۵ است که چهره‌ای شناخته شده در حوزه مطالعات برنامه درسی^۶ است. وی در کتاب کلاسیک و مهم خود، «فهم برنامه درسی؛ مقدمه‌ای بر مطالعه تاریخی و معاصر گفتمان‌های برنامه درسی»^۷ به معرفی رویکرد پدیدارشناسی به‌منزله یک متن برنامه درسی پرداخته است. نکته تناقض‌آمیز در این عنوان این است که مفهوم برنامه درسی برآمده از سنت انگلوامریکن، یا به تعبیر دیوید همیلتون (۱۹۹۰) که در مقدمه همین کتاب از وی نقل شده است، برآمده از سنت دنیای انگلیسی‌زبان است و عمل برنامه درسی تلفیق با نهادها و نهاد آموزش مدرن (مدرسه) است (به نقل از: پاینار، ۱۹۹۵). حال سخن این است که اقتضای برنامه درسی هم‌پیوندی با مقوله کنترل و مواجهه‌ای فنی با تعلیم و تربیت است؛ در مقابل، رویکرد قاره‌ای که سودای فهم عالم زندگانی و از جمله تعلیم و تربیت را دارد و مفهوم بیلدونگ^۸ را برای چنین مقصودی استفاده می‌کند

1. Langeveld

2. Beets

3. Vermeer

4. Strasser

5. W. F. Pianar

6. Curriculum studies

7. Understanding Curriculum: An Introduction to the Study of Historical and Contemporary Curriculum

8. Bildung

را چگونه می‌توان در یک قالب واحد قرار داد. البته پایناز خود در یکی دیگر از کتاب‌هایش به نام «ویژگی مطالعات برنامه درسی»^۱ در سال ۲۰۱۱ تلاش دارد وارد عرصه چنین مناقشه عمیقی شود. فارغ از پاسخی که وی در این کتاب به چنین تعارضی می‌دهد، چنین عنوانی خود اذعان به حضور دو سنت متفاوت و دو تلقی با دو هویت آشکارا ناهمگون دلالت دارد. فان‌مانن کتاب خود را در پیشگفتار این‌گونه معرفی می‌کند: کتاب پیش رو تلاشی است برای معرفی و تبیین و نگارش رویکرد پدیدارشناسی هرمنوتیک به پژوهش علوم انسانی. این کتاب متأثر از روح جنبش‌های اروپایی و برخی پیشرفت‌های آمریکای شمالی است. این متن، مفهوم وابسته به زمینه تربیتی پژوهش که نقطه عزیمتش را از قلمرو تجربی تجربه روزمره می‌گیرد، عرضه می‌کند. مفهومی که بر چنین بنایی قرار است ساخته شود، پژوهش پدیدارشناختی تفسیری است و نظریه‌پردازی نمی‌تواند منفک از عمل متنی نگارش باشد. در نتیجه، ساحت الهام گرفته از معناشناسی^۲ به معنی گسترده آن، بخشی از این رویکرد پژوهشی است؛ در حالی که ماهیت عملی زیست‌جهان تعلیم و تربیت اقتضا می‌کند که این شکل از پژوهش تربیتی متکی به فلسفه‌پردازی یا نظریه‌پردازی انتزاعی نباشد (فان‌مانن، ۱۹۹۵).

این کتاب شامل یک مقدمه، هفت فصل و یک واژه‌نامه است: در فصل اول، فان‌مانن فهم خود را از علوم انسانی توضیح می‌دهد و تلاش می‌کند به چیستی علوم انسانی، توانایی علوم انسانی و توصیفی یا تفسیری بودن آن، ساختار روش‌شناختی پژوهش در علوم انسانی و مسائلی از این دست پاسخ دهد. از فصل دوم به بعد، او تلاش می‌کند رویه‌هایی که برای انجام پژوهش پدیدارشناسی ضروری است را برشمارد. عنوان فصل دوم، «چرخش به سمت تجربه زیسته»^۳ است. زیرفصل‌های فصل دوم عبارت‌اند از بررسی ماهیت تجربه زیسته، سوگیری به سمت پدیده، صورت‌بندی پرسش پدیدارشناختی، بیان مفروضات و پیش‌فهم. عنوان فصل سوم، «پژوهش در باب تجربه‌ای که آن را زندگی می‌کنیم»^۴ است. در این فصل، مانند اکثر متون پدیدارشناسی، فان‌مانن به ریشه‌یابی برخی مفاهیم کلیدی پژوهش

1. The character of curriculum studies

2. semiotics

3. Turning to the Nature of Lived Experience

4. Investigating Experience as We Live It

می‌پردازد. یکی از آن مفاهیم، مفهوم داده^۱ است. سپس استفاده از تجربه شخصی به منزله نقطه آغاز بررسی ریشه‌شناختی واژگان و منابع متعددی چون ادبیات، هنرها، مشاهده کردن، مصاحبه به منزله قصه زندگی شخصی مدنظر قرار گرفته است. در فصل چهارم، به توضیح تأمل پدیدارشناسانه هرمنوتیکی^۲ می‌پردازد و در ذیل این فصل به موضوعاتی چون ایجاد تحلیل مضمونی، موقعیت‌ها، معنای دیدن و اینکه اساساً مضمون^۳ چیست و پداگوژی مضمون به چه معناست، تلفیق انتقال‌های زبان‌شناختی^۴، تحلیل‌های مشارکتی^۵، تفسیر از طریق گفتگو مشخص کردن مضمون‌های اساسی پرداخته شده است. در فصل پنجم، به نوشتار پدیدارشناسی هرمنوتیک^۶ می‌پردازد و موضوعاتی چون توجه به زبان گفتاری، سکوت و محدودیت و توان زبان، و اهمیت قصه و قصه‌پردازی در روایت‌های نگارش پدیدارشناسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. فصل ششم، به موضوع مهم رابطه‌های اساسی در پژوهش توجه دارد. در زیرفصل‌های این فصل از رابطه میان پژوهش/نوشتار و پداگوژی، در باب ناگفتنی بودن پداگوژی^۷، متنی (موقعیتی) بودن پداگوژی، دیدن پداگوژیکی، علوم انسانی به منزله جهت‌گیری انتقادی کنش پژوهی^۸ و اینکه دانش حساس به عمل^۹ به صلاحیت پداگوژیکی می‌انجامد، سخن به میان آمده است. در فصل هفتم، درباره ایجاد تعادل در متن پژوهشی با ملاحظه اجزا و کل و مضامینی چون طرح تحقیق، آثار و اخلاق پژوهش علوم انسانی، نقشه و زمینه یک طرح پژوهشی، و کار با متن بحث شده است. سه جزء پایانی کتاب نیز عبارت‌اند از واژه‌نامه (درباره اصطلاحات تخصصی کتاب)، کتابنامه و نمایه.

سرتاسر کتاب، تأمل درباره روند و درون‌مایه‌های اساسی پژوهش پدیدارشناختی است. از نظر فان‌منن، پژوهش پدیدارشناختی برای نفس پژوهش انجام نمی‌شود، بلکه پژوهش را کسانی انجام می‌دهند که علایق مشخصی دارند یا در مقام معلم، پدر، مادر، پرستار، روان‌شناس هستند. از نظر وی، پرسش‌ها و نحوه‌ای که پرسش‌ها را در پژوهش طرح می‌کنیم،

1. Data

2. Hermeneutic Phenomenological Reflection

3. Theme

4. Linguistic transformations

5. Collaborative Analysis

6. Hermeneutic Phenomenological Writing

7. Ineffability of Pedagogy

8. Human Science as Critically Oriented Action Research

9. Action Sensitive Knowledge

اولویت و اهمیت حیاتی دارد و مسئله روش در مقایسه با آن، تأخر دارد. پس از مشخص شدن پرسش پژوهش، نوعی دیالکتیک میان پرسش و روش پژوهش به وجود می‌آید. نکته بسیار مهمی که فان‌منن در ابتدای فصل «چیستی علوم انسانی» طرح می‌کند این است که پژوهشگر به ترجیح رویکرد پژوهشی از آن حیث که مُد زمانه است و یا مسئله‌ای ذوقی و شخصی است نظر ندارد، بلکه زمانی که رویکردی را بر می‌گزیند، نوعی تناظر میان آن و زیست‌جهان خود می‌بیند. پژوهش در نظر فان‌منن همواره پرسش از شیوه‌ای است که جهان را تجربه می‌کنیم و می‌خواهیم درباره آن چونان انسان‌هایی که در آن زندگی می‌کنیم بدانیم. در نتیجه، دانش درباره جهان به نحو عمیقی «بودن در جهان به نحو خاص» است. کنش پژوهش‌گری، پرسشگری، نظریه‌پردازی یک کنش التفاتی است که ما را به جهان پیوند می‌دهد، ما را عمیقاً بخشی از آن می‌کند یا به بیان بهتر، ما را «جهان» می‌سازد. پدیدارشناس چنین پیوند ناگسستنی را حیث التفاتی¹ می‌نامد. نکته مهم دیگری که از فحوای متن کتاب برمی‌آید این است که پژوهش پدیدارشناسی پژوهشی از جنس تکنیک نیست که با ذکر چند گام اساسی بتوان مدعی شد که آن را می‌توان آموزش داد و یا بدان مبادرت ورزید؛ بلکه در درجه نخست، تمرین اتخاذ یک نوع نگاه کیفی به جهان است. دیگر اینکه نگارش پدیدارشناسی قابلیت‌ی است که با غوطه‌وری در متون ادبی و چهره‌های بزرگ تاریخ ادب که ساحت‌های مختلف تجربه‌های بشر را مجسم کرده‌اند، زمینه‌های امکان‌ش فراهم می‌شود. از این رو جای شگفتی ندارد کسانی که در زیست‌جهان گالیله‌ای می‌زیند آنگاه که به پژوهش پدیدارشناسی روی می‌آورند، پژوهش آن‌ها خالی از روح پدیدارشناختی می‌شود و رنگ‌وبوی کمی یا سطحی‌نگری به خود می‌گیرد.

¹. Intentionality

منابع

- برخوردارى، رمضان (۱۳۹۷). درایت تدریس؛ معنای خردمندی تربیتی. *فلسفه تربیت*، ۲(۳)
- برخوردارى، رمضان (۱۳۹۸). گزارش فصل برنامه درسی به منزله متن پدیدارشناسی از مجموعه مقالات کتاب *فهم برنامه درسی* (پاینار و همکاران، ۱۹۹۵). فایل صوتی. قابل بازیابی از:
<https://b2n.ir/457689>

- Pinar, W.F.; Reynolds, W.M.; Slattery, P.; Taubman, P.M. (1995). *Understanding Curriculum: An Introduction to the Study of Historical and Contemporary Curriculum Discourses*. New York: Peter Lang.
- Van Manen, M. (1990). *Researching lived experience: human science for an action sensitive pedagogy*, New York: SUNY Press.
- Van Manen, M. (1996). *Phenomenological Pedagogy and the Question of Meaning*, In D. Vandenberg (Ed.). *Phenomenology and Educational Discourse* (pp. 39-64). Durban: Heinemann Higher and Further Education.